

بازخوانی اصلاحات پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در بازار مدینه

عمار خسرو جردی^۱

چکیده

مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، تنها نگاه اقتصادی صرف داشته‌اند، یا اینکه ایشان ابعاد دیگری مانند ابعاد سیاسی و اجتماعی را نیز مد نظر قرار می‌داده‌اند؟ در این نوشتار رویکرد اصلاحی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در بازار مدینه در چهارچوب آیات قرآن کریم و همچنین برخی از روایات، تحلیل و تبیین شده است. در تحلیل اقتصادی نیز سعی شده است که آثار و دلالت‌های اقتصادی ناشی از اصلاحات پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به صورت کلان استخراج و متناسب با شرایط روز تحلیل گردد. جمع‌بندی نهایی این است که رویکرد اصلاحی رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در بازار مدینه دارای بینش اقتصادی صرف نبوده، بلکه نوع نگاه ایشان دارای آینده‌نگری و جامعیت و با در نظر گرفتن تمام شرایط اعم از نگاه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بوده است و چنین بینشی باید در نگاه سیاست‌گذاران اقتصاد اسلامی مد نظر قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: بازار مدینه، اندیشه اقتصادی بیهود، راهبردهای اقتصادی، سیره اقتصادی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

۱. بنیاد پژوهش‌های اسلامی - گروه اقتصاد

دریافت: ۱۳۹۳/۴/۱۱ - پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۹

مقدمه

با توجه به جامعیت و جهان شمولی وحی الهی، یکی از مباحث جدی در اداره جامعه دینی در چهارچوب وحی الهی، سیره انبیاء و اولیای الهی، اصلاح ساختارها و تحلیل معضلات اقتصادی و غیراقتصادی و انتخاب راهکار برای حل این معضلات بر اساس مفاهیم و مبانی دینی است. در جمهوری اسلامی نیز با توجه به اینکه دین و وحی الهی، مبنای اداره کشور است، بایسته است چهارچوب‌های مختلف در اداره و سیاست‌گذاری جامعه براساس این مبانی دینی، طراحی یا اصلاح شوند. یکی از این مبانی سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله می باشد.

قرآن کریم با صراحت از پیامبر اکرم به عنوان اسوه حسنه یاد نموده است. (احزاب/۲۱) این آیه، اسوه بودن رسول اکرم را محدود به موضوع خاصی نکرده است. براین اساس اقتدا بر رسول اکرم در تمامی عرصه‌ها اعم از مباحث سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مد نظر این آیه است.

براین اساس در نوشتار حاضر سعی شده است که با بررسی رویکرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ایجاد برخی از اصلاحات در بازار شهر مدینه و همچنین تبیین برخی از این اصلاحات و علت آنها در چهارچوب آیات قرآن و روایات، چهارچوب‌ها و دلالت‌های این اقدامات و همچنین نوع نگاه و بینش ایشان در این اصلاح به عنوان نمونه‌ای کوچک از یک سیاست‌گذاری در بینش اسلامی، استخراج گردد. تأمل در نمونه‌هایی از این دست می‌تواند در مدل‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و نهادسازی‌ها و طراحی ساختارها در شرایط فعلی مبتنی بر یک الگوی دینی، کمک بسیاری نماید.

در زمینه بررسی سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدیریت اقتصادی و حتی نوع رفتار ایشان در بازار، مطالعات و پژوهش‌های بسیاری در میان محققان انجام شده است که می‌توان از

جمله این آثار به کتاب *اقتصادنا*، اثر برجسته شهید آیه الله محمد باقر صدر و کتاب *اقتصاد صدر اسلام*، تألیف دکتر سید کاظم صدر و همچنین جلد‌های سه و چهار و پنج کتاب *الحیة*، تألیف استاد محمد رضا حکیمی و همکاران، اشاره نمود.

در بسیاری از این آثار تنها با نگاه اقتصادی به نوع مدیریت اقتصادی رسول اکرم توجه شده است، اما دیگر ابعاد الگوی تصمیم‌سازی اقتصادی آن حضرت مورد بررسی قرار نگرفته است.

تبیین و تحلیل عمیق تمامی اصلاحات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بازار مدینه مجالی بیشتر می‌طلبد؛ از این رو در مقاله حاضر سعی شده است که بخشی از اصلاحات مهم مد نظر ایشان تبیین و تحلیل گردد.

اصلاحات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بازار مدینه

۱. پذیرش بازار به عنوان یک نهاد اقتصادی

پیش از بحث در مورد اصلاحات پیامبر اکرم در بازار مدینه، تعریفی از مفهوم بازار ارائه می‌گردد:

«بازار مکان و یا موقعیتی است که در آن، خریداران و فروشندگان، کالاها و خدمات و منابع را خرید و فروش می‌کنند. برای هر کالا، خدمت یا منبعی که در اقتصاد خرید و فروش می‌شود، بازاری وجود دارد.»^۱

در اینجا بازار به مکان یا موقعیت تعریف شده است. علاوه بر این، تعریف فوق هم با بازارهای امروزی سازگار است و هم با بازارهای اولیه در قرون گذشته که اقتصاد بسیار ساده بود و مردم برای مبادله کالاها در مکان‌های خاصی گرد می‌آمدند.

«مدینه اندکی پیش از اسلام به مرکز مهمی از نظر اقتصادی تبدیل شده و این شهر توقف‌گاه مهمی شده بود برای بازرگانانی که از حجاز و یمن به سوی شام و شرق

۱. سالواتوره، دومینیک، *تئوری و مسائل اقتصاد خرد*، ترجمه حسن سبحانی، ص ۱۰.

می‌آمدند. مدینه به رشد و ترقی تجارت خارجی خود محدود نبود، بلکه تجارت داخلی آن نیز فعال و شکوفا بود که فراوانی بازارها و تجارتخانه‌های آن گواه بر این موضوع است.^۱ رسول بزرگوار اسلام در ابتدای ورود خود به مدینه و ایجاد حکومت نوپای اسلامی به نفی بازار و فعالیت اقتصادی پرداختند، بلکه ایشان دست به اصلاحاتی در بازار مدینه زدند. بازار، نماد فعالیت تجاری و اقتصادی در مدینه آن روز بود. علاوه بر این، ایشان فعالیت خصوصی اقتصادی مانند بازرگانی و تجارت را نه تنها نفی نکردند، بلکه مسلمانان را به تجارت و مضاربه تشویق می‌نمودند.^۲

اینکه پیامبر اکرم اجازه تشکیل بازار را می‌دهند بیانگر پذیرش مالکیت خصوصی در اسلام نیز می‌باشد. در قرآن کریم با صراحت به موضوع مالکیت خصوصی و مشروعیت تجارت و مبادله اشاره شده است:

﴿لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ قَرَابٍ مِّنْكُمْ﴾ (نساء / ۲۹)

اموالتان را میان خودتان به ناروا مخورید، مگر اینکه تجارتي از روی رضایت انجام داده باشید.

تجارت و مبادله، وقتی میسر است که طرفین، مالک شخصی مالی بوده، حق تصرف و استفاده مستقل از آن را داشته باشند؛ سپس بر اساس انگیزه‌هایی در صدد مبادله برآیند. بازار نیز مکان مبادله است و بدون پذیرش مالکیت خصوصی و مبادله، بازار معنایی ندارد.

البته ایشان با وضع قواعدی چه درباره شیوه رفتار در بازار و چه در زمینه تربیت دینی مسلمانان و تغییر انگیزه‌ها در فعالیت‌های اقتصادی، بینش‌ها را تغییر دادند. در این نوشتار مجال تبیین کامل این تغییر نگرش وجود ندارد. امید است که در فرصتی دیگر، این مجال فراهم گردد؛ اما نکته کلیدی و مهم این است که رسول اکرم ﷺ فعالیت بخش

۱. بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ج ۱، ص ۴۱-۴۲؛ سمهودی، نورالدین علی، وفاء الوفا باخبار

دارالمصطفی، ج ۲، ص ۷۴۷.

۲. صدر، سید کاظم، اقتصاد صدر اسلام، ص ۱۷۰.

خصوصی را در عرصه اقتصاد مجاز می دانستند.

۲. ایجاد یک بازار متناسب با شرایط جدید سیاسی و اقتصادی مدینه

اولین اصلاح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در الگوی تجاری بازار مدینه، ایجاد یک بازار جدید متناسب با شرایط سیاسی و اقتصادی مدینه بود.

«در عصر ظهور اسلام و تشکیل حکومت اسلامی به دست پیامبر صلی الله علیه و آله مهم ترین بازار مدینه "بنی قینقاع" نام داشت و در اختیار یهودیان بنی قینقاع بود.^۱ مهارت یهودیان در صنایعی مانند آهنگری، رنگرزی، سلاح سازی، دباغی و نجاری، زندگی شهرنشینی یثربیان را بیش از پیش به خود وابسته می ساخت.^۲ به تعبیر بلعمی هر چه اندر مدینه کار بودی ایشان کردندی.^۳

در ابتدای حضور پیامبر اکرم در مدینه هنگامی که بازار یهودیان، نزدیک بازار مسلمانان بود، ایشان نیرومند شدن مسلمانان را دیدند و از رقابت و نزدیکی آنها در تجارت مدینه احساس خطر کردند، کعب بن اشرف یهودی به بازار مسلمانان رفت و داخل آن شد و طناب های آن را قطع کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر آینه بازار را به جایی منتقل خواهیم کرد که تحمل آن برای کعب سخت تر از این بازار باشد و آن را به محل بازار مدینه در غرب مسجد النبی منتقل کرد.^۴

پیامبر اکرم به دلیل حساسیت ویژه بازار و کارشکنی یهودیان و نارضایتی از حاکمیت مطلق یهودیان بر آن، در صدد شکستن حاکمیت و سلب انحصار از آنان برآمدند. از این رو بازار دیگری در مدینه تأسیس کردند و مقررات خاصی در آن وضع نمودند؛ نظیر عدم اخذ خراج از بازاریان، نداشتن جایی مشخص برای فروشندگان و ممنوعیت تجاوز به

۱. ابن شهبه، ابوزید عمر، *تاریخ المدینة المنورة*، ج ۱، ص ۳۰۴.

۲. سمهودی، نورالدین علی، *وفاء الوفا باخبار دارالمصطفی*، ج ۱، ص ۷۴۸.

۳. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الرسل والملوک*، ج ۱، ص ۱۵۱.

۴. بلاذری، احمد بن یحیی، *فتوح البلدان*، ج ۱، ص ۲۲.

حریم بازار. ایشان همچنین تمام امتیازات قومی و طبقاتی گذشته را لغو و امنیت بازارها را به طور کامل تأمین کردند. این اقدامات، موجب شکوفایی و رونق بازار شد. برای نمونه نگرفتن خراج و هرگونه مالیات، سبب کاهش قیمت‌ها و رونق خرید و فروش در بازار مسلمین شد. به این ترتیب، انتقال بازار به مکان دیگر، درآمد مالیاتی یهودیان از بنی قینقاع را به شدت کاهش داده، آنان را که دشمن سرسخت مسلمانان بودند، به خشم آورد.^۱

تسلط یهودیان بر اصلی‌ترین بازار مدینه و کسب درآمد از دریافت خراج از این بازار، بسترساز یک قدرت اقتصادی و به تبع آن، بستری برای تسلط سیاسی یهودیان نیز بود. این تغییر مکان، دقت و توجه ایشان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی را نشان می‌دهد. در حقیقت ایشان با این انتخاب خود، کانون اقتصادی مدینه را تغییر دادند. برخی از شواهد تاریخی هوشمندی پیامبر اکرم در این تصمیم را به خوبی نشان می‌دهد؛ چه اینکه یهودیان همواره از قدرت اقتصادی خود برای ضربه زدن به مسلمانان بهره می‌برده‌اند. به برخی از این شواهد در ادامه اشاره می‌شود:

الف. قرار دادن مسلمانان در رنج و سختی

وقتی مهاجران به سبب آزار و اذیت مشرکان مجبور شدند تا خانه و کاشانه خویش را در مکه ترک کرده، به مدینه هجرت کنند،^۲ از هیچ‌گونه امکانات مالی برخوردار نبودند و انصار مدینه هم به حد کفاف قدرت یاری آنان را نداشتند، با اینکه آنچه داشتند بین خود و مهاجران تقسیم می‌کردند و حتی گاهی مهاجران را بر خود مقدم می‌داشتند. رسول خدا ﷺ چون دید مسلمانان روزگار سختی را می‌گذرانند، شخصی را مأمور کرد تا پیش رؤسای یهود برود و از آنها تقاضای وام نماید، ولی آنها نه فقط کمکی نکردند،

۱- نظریور، محمد نقی، «بازار»، دانشنامه امام علی (علیه السلام)، ج ۷ (اقتصاد)، ص ۵۰۶-۵۰۷.

۲- رسولی محلاتی، سید هاشم، درس‌هایی از تاریخ تحلیلی اسلام، ج ۴، ص ۱۴۷؛ طباره، عفیف عبدالفتاح، یهود از نظر قرآن، ترجمه علی منتظمی، ص ۲۸.

بلکه با زخم زبان های خود مأمور پیامبر ﷺ را بدرقه نمودند.^۱ از این رو بود که وحی الهی نازل شد و ضمن خبر از طعنه ها و زخم زبان های آنان، به برخی از جرم های سنگینشان در طول تاریخ اشاره کرد و عذاب سوزان را نتیجه عکس العمل آنها دانست، چنان که می فرماید:

﴿لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ﴾ (آل عمران/ ۱۸۱)

خداوند سخن آنها را که گفتند: «خدا فقیر است و ما بی نیازیم» شنید. به زودی آنچه را گفتند خواهیم نوشت و [همچنین] بناحق کشتن پیامبران را [می نویسیم] و به آنها می گوئیم بچشید عذاب سوزان را.

ب. عدم باز پرداخت اموال مسلمانان

یکی از توطئه های آشکار گروهی از یهود این بود که از بازپس دادن قرض های خود و وجه اموالی که از مسلمانان خریده و امانت هایی که به آنها سپرده بودند خودداری می کردند و در توجیه اعمال خود می گفتند که برگرداندن این اموال تا زمانی الزام آور بود که شما مسلمان نشده بودید، ولی اسلام آوردن شما باعث ابطال این حقوق شد.^۲ البته بعضی از آنها همچون عبدالله بن سلام به پرداخت حقوق مسلمانان توجه داشتند.^۳

ج. ترغیب مسلمانان به بخل ورزی

یهود مدینه نه فقط مسلمانان را در بحرانی ترین وضع زندگی در صدر اسلام یاری نکردند و به بهانه های واهی تقاضاهای آنها را رد کردند، بلکه نزد گروهی از انصار آمدند و

۱ - طباره، عقیف عبدالفتاح، *یهود از نظر قرآن*، ترجمه علی منتظمی، ص ۳۰.

۲ - همان، ص ۳۱.

۳ - همان، ص ۳۲.

گفتند: «اموال خود را برای محمد ﷺ و اصحابش مصرف نکنید؛ زیرا فقیر خواهید شد.»^۱

از این رو خداوند متعال آیه شریفه ذیل را نازل فرمود:

﴿الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ

عَذَابًا مُهِينًا﴾ (نساء/ ۳۷).

آنها کسانی هستند که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل دعوت می‌کنند و آنچه را خداوند از فضل [رحمت] خود به آنها داده کتمان می‌نمایند و ما برای کافران عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده‌ایم.

نکته کلیدی این است که این دعوت مسلمانان به بخل نه تنها منجر به تضعیف اقتصادی مسلمانان می‌شد، بلکه زمینه تفرقه میان مسلمانان را نیز فراهم می‌آورد. البته رسول اکرم نیز در مقابل این رویکرد یهودیان، موضوع پیمان برادری میان مهاجر و انصار و تقسیم اموال را میان ایشان مطرح کردند.^۲

بدین سان مجموع مباحث یادشده نشان می‌دهد که پیامبر اکرم ﷺ با تغییر مکان بازار مدینه از محله یهودیان و جلوگیری از کنترل آنها بر این بازار، زمینه تسلط اقتصادی ایشان و یکی از بسترهای چالش برانگیز را که ممکن بود از سوی یهودیان فراهم آید، از بین بردند.

به طور کلی می‌توان گفت، آن حضرت در تعیین مکان بازار مدینه نگاهی جامع و پیشگیرانه داشتند. ایشان تمامی مسائل را در کنار یکدیگر در نظر می‌گرفته و با برنامه‌ریزی و اهداف مشخص، سیاست‌هایشان را دنبال می‌کرده‌اند.

این تصمیم رسول اکرم مصداقی کاربردی از قاعده نفی سبیل نیز می‌باشد. بر اساس این قاعده که مبتنی بر آیه ۱۴۱ سوره نساء است، خدای متعال هیچ بستری را برای تسلط کافران بر اهل ایمان قرار نداده است:

﴿... وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾.

۱ - فخر رازی، محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، ترجمه علی اصغر حلبی، ج ۵، ص ۳۶۰.

۲ - ابن هشام، *السيرة النبوية*، ج ۱، ص ۵۰۴-۵۰۷.

نکته دیگری را که باید مد نظر قرار داد، این است که براساس آیات ۹۹ و ۱۰۰ سوره آل عمران گروهی از اهل کتاب (شامل یهودیان نیز می شود) به دنبال این هستند که زمینه ساز کفر پس از ایمان برای مسلمانان شوند. چنین کسانی خود نیز باید کافر باشند. علاوه بر این، قرآن کریم با صراحت به کفر بخشی از یهودیان اشاره کرده است، آنجا که می فرماید:

﴿فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا * وَأَخَذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾
(نساء/۱۶۰-۱۶۱)

به خاطر ظلمی که از یهود صادر شد، و [نیز] به خاطر جلوگیری بسیار آنها از راه خدا، بخشی از چیزهای پاکیزه را که بر آنها حلال بود، حرام کردیم. و [همچنین] به خاطر ربا گرفتن، در حالی که از آن نهی شده بودند؛ و خوردن اموال مردم به باطل و برای کافران آنها، عذاب دردناکی آماده کرده ایم.

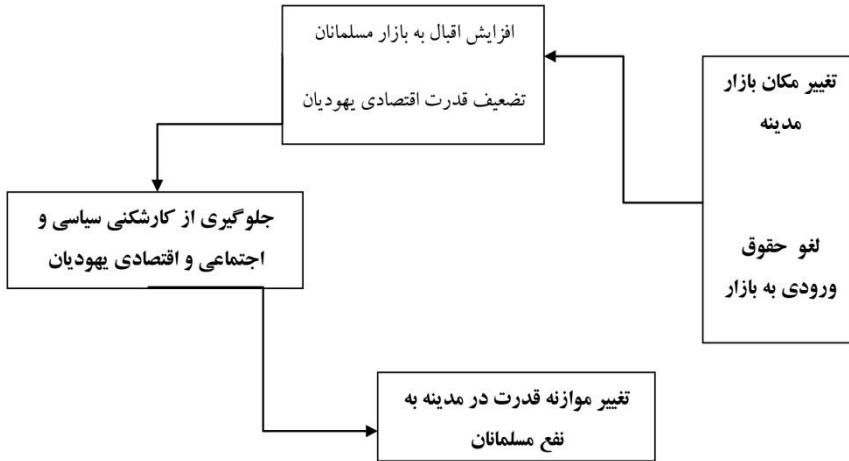
براساس این آیات، قاعده نفی سبیل، شامل کافران از یهودیان نیز می شود. فراموش نباید کرد که آیه ۱۴۱ سوره نساء، قیدی را در مورد اینکه منظور از کفار کدام گروه از کفار هستند، مشخص نکرده است.

مجموع مباحث یاد شده به خوبی نشان می دهد که تصمیم پیامبر ﷺ در ایجاد یک بازار جدید در مدینه و تضعیف یهودیان، تصمیمی هوشمندانه و آینده نگرانه بوده است. آنچه می توان از این رفتار پیامبر اکرم ﷺ در حال حاضر، مورد توجه قرار داد، این است که در رویکردهای تصمیم سازی و تصمیم گیری در مباحث اقتصادی باید آینده نگر بود و تنها نباید به مسائل اقتصادی صرف، توجه نمود.

آن حضرت نه تنها بستر تسلط اقتصادی را از یهودیان سلب نمودند، بلکه با تغییر مکان بازار مدینه، قدرت اقتصادی ایشان را نیز تضعیف کردند. در واقع پیامبر اکرم ﷺ با تصمیمی هوشمندانه، حرکتی هجومی و پیشگیرانه را با هم انجام دادند. این رویکرد رسول اکرم می تواند مبنای بسیاری از سیاست گذاری ها در جهان اسلام باشد.

نمودار ۱

رویکرد آینده نگرانه در یک تصمیم اقتصادی



۳. لغو حق ورود به بازار و مالیات های اجباری

یکی دیگر از اصلاحات پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در بازار مدینه، حذف خراج و مالیات برای ورود به بازار بود. پیامبر این مالیات ورودی را لغو کردند.^۱ حتی ایشان اجازه دریافت اجاره برای مکان مشخص در بازار را نیز ندادند.^۲

شروع هر فعالیت اقتصادی در هر بازاری مجاز بود و احتیاجی به مجوز نداشت. این امر در حالی بود که پیش از اسلام برای شرکت در یک بازار محلی هم اجازه رئیس قبیله تشکیل دهنده بازار لازم بود و هم پرداختن مالیات به او.^۳ ایشان دریافت مجوز برای شروع هر فعالیت اقتصادی را نیز لغو کردند.

علاوه بر این ایشان پس از فتح مکه، موقعیت انحصار قریش در تجارت را نیز

۱ - قزوینی، محمد بن یزید، *سنن ابن ماجه*، ج ۲، ص ۷۲۴؛ ابی داود، سلیمان بن اشعث، *سنن ابی داود*،

ج ۳، ص ۱۶۶؛ سمهودی، نورالدین علی، *وفاء الوفا باخبار دارالمصطفی*، ج ۱، ص ۷۴۷.

۲ - صدر، سید کاظم، *اقتصاد صدر اسلام*، ص ۱۷۰.

۳ - همان، ص ۱۷۳.

شکستند. پیش از اسلام، قریش در امر تجارت موقعیت انحصاری داشتند.^۱ رسول اکرم، اجازه تعیین مکانی مشخص را برای فروشندگان نیز نمی دادند.^۲ این کار منجر به این می شد که هیچ فردی دارای جایگاه و مکان انحصاری در بازار نشود. ایشان با این کار اجازه نمی دادند که بستر انحصار در بازار شکل بگیرد.

سیاست عدم وجود مکان مشخص برای بازاریان موجب می شد که فروشندگان تلاش کنند که زودتر به بازار بروند و بازار در انحصار فروشندگان خاص قرار نگیرد. به این ترتیب فروشندگان و تجار مهم، امروز در جایی و فردا در جایی دیگر کالاهای خود را عرضه می کردند و همه مناطق بازار اهمیت و اعتبار یکسانی داشت.^۳

شرایط یادشده بستری را به وجود آورد که خریداران و فروشندگان در بازار شرایط انحصاری نداشتند. این امر موجب می شد که افراد بسیاری بتوانند در فرایند مبادلات حضور داشته باشند و تعداد عرضه کنندگان محدود نباشد. این امر زمینه رقابت در عرضه کالاها و کاهش قیمت آنها را فراهم می آورد.

اینکه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خود به عنوان حاکم اسلامی، این انحصارات را لغو کردند بیانگر دو نکته کلیدی است:

الف. لغو انحصارات، نیازمند دخالت جدی دولت اسلامی است. امروزه نیز بدون نظارت و سیاست گذاری دولت، حذف بسیاری از انحصارات میسر نخواهد بود. رسول اکرم به عنوان حاکم اسلامی با اصلاح ساختارها و قوانین، انحصارات را شکستند و زمینه فرصت برابر را برای فعالیت های اقتصادی فراهم کردند.

ب. ایشان با رفع این مانع (حق ورودی و دریافت خراج)، اجازه ندادند که هزینه ورودی یا هر هزینه ای غیر از قیمتی که در فرایند طبیعی بازار معین می شود، بر مردم

۱ - غفاری، هادی، *نظام اقتصادی صدر اسلام*، ص ۱۶۷.

۲ - نظرپور، محمدنقی، «بازار»، *دانشنامه امام علی عَلَيْهِ السَّلَام*، ج ۷ (اقتصاد)، ص ۵۰۹.

۳ - بیهقی، ابی بکر، *السنن الکبری*، ج ۹، ص ۱۰۹.

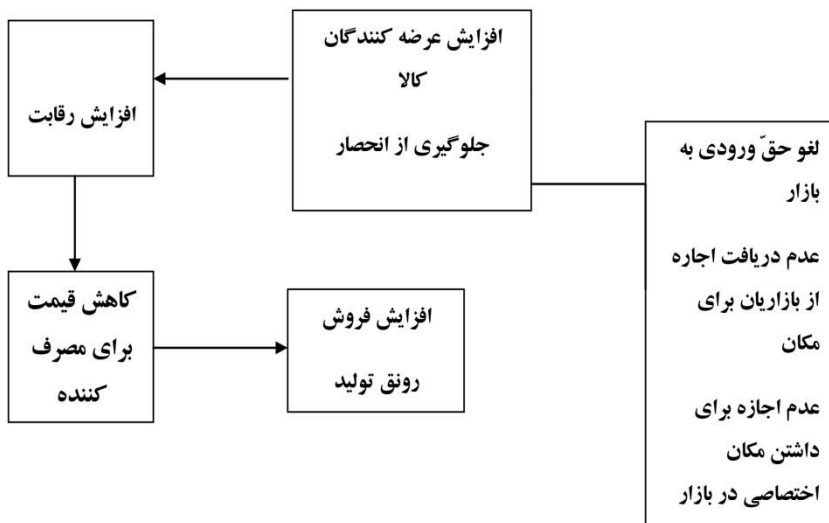
تحمیل شود. به عنوان مثال امروزه بخش زیادی از هزینه‌ای که مردم بابت برخی از کالاها پرداخت می‌کنند، قیمت واقعی آن کالا نیست، بلکه قیمت اجاره مغازه و در حقیقت قیمت ملکی است که بر مشتری بار می‌شود. این بینش و نوع سیاست‌گذاری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حذف مالیات ورودی نشان می‌دهد که می‌توان بازارهایی را برای فروش کالاها و خدمات (به خصوص در مورد نیازهای ضروری مردم) ایجاد کرد که این بازارها، یا هزینه اجاره مغازه نداشته باشند و یا اینکه این هزینه در حداقل میزان ممکن باشد. در صدر اسلام نیز این سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام بوده است که ایشان در جایگاه حاکمیت، زمین را برای بازار بدون دریافت خراج و یا مالیات قرار می‌داده‌اند.^۱ همچنین روایاتی در مورد دوران زمامداری امام علی علیه السلام وجود دارد که نشان می‌دهد در بازار کوفه غرفه‌هایی وجود داشته که ملک دولت اسلامی بوده است و حضرت کراهت داشته‌اند که در مقابل استفاده از این غرفه‌ها، اجاره بگیرند. به عنوان مثال، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که امام علی علیه السلام از گرفتن اجاره از بازار مسلمانان کراهت داشتند.^۲ البته به وجود غرفه‌ها در بازار کوفه در دوران امام علی علیه السلام در کتب تاریخی نیز اشاره شده است.^۳ کراهت امام علی علیه السلام از دریافت اجاره نیز بیانگر این است که ایشان نمی‌خواستند تا هزینه‌ای اضافه بر قیمت کالا را به خریداران و فروشندگان تحمیل نمایند. این سیاست مبتنی بر کاهش هزینه‌های سربار برای مصرف‌کننده است. این کار می‌تواند زمینه کاهش قیمت برای مصرف‌کننده و در نتیجه رونق در تجارت را فراهم آورد.

۱- صدر، سید کاظم، *اقتصاد صدر اسلام*، ص ۱۷۱

۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، ج ۱۲، ص ۳۰۰.

۳. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، *فتوح البلدان*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، ص ۷۱.

نمودار ۲ ایجاد رقابت در یک بازار اسلامی



۴. ایجاد قوانینی در جهت شفافیت در معاملات

رسول بزرگوار اسلام پس از ورود به بازار، مجموعه قوانینی را اعلام نمودند که در ادامه این نوشتار، برخی از آنها مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

الف. رسول خدا ﷺ در این زمینه فرمودند: «کسی که می‌فروشد و می‌خرد باید از پنج خصلت دوری کند و گرنه هرگز نخرد و نفروشد: ربا، سوگند قسم خوردن، عیب کالا را پنهان کردن، تعریف کردن از کالا به هنگام فروش و عیب گرفتن از کالا به هنگام خرید.»^۱

در این زمینه روایاتی از ائمه معصومین نیز وجود دارد که به یکی از آنها اشاره می‌شود: امام کاظم علیه السلام در این باره فرمودند: فروش جنس در تاریکی و سایه، خیانت در

۱. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۸۴.

معاملات است؛ چون جنس به خوبی پیدا نیست و خیانت در معامله هم حرام است.^۱ تمامی این مباحث، بیانگر تأکید بر شفافیت اطلاعات و صداقت در ارائه اطلاعات در فرایند مبادلات است.

ب. ابزارهای اندازه‌گیری اعم از ابزارهای اندازه‌گیری حجمی، وزنی ...، واحدهای تعیین معدودها، همه باید دقیق باشند. علاوه بر این ایشان با صراحت بر ممنوعیت کم فروشی تأکید کردند.^۲

این دستور پیامبر ﷺ در آیات مختلف قرآن کریم نیز بیان شده است که تبیین قرآنی این دستور هم می‌تواند راهگشا باشد.

در آیه ۳۵ سوره اسراء، خدای متعال از مردم می‌خواهد هنگامی که از پیمانانه استفاده می‌کنند، حق پیمانانه را ادا کنند و با ترازوی درست، وزن کنند:

﴿وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كُنْتُمْ وَزَنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾

آیه فوق با صراحت بیان می‌کند که ابزارهای سنجش در معاملات باید دقیق باشند. در آیات ۱۸۱ و ۱۸۲ سوره شعراء نیز همین مضمون بیان شده است. در این دو آیه حضرت شعیب عليه السلام از قوم خود می‌خواهد که از ترازوها و پیمانانه‌های دقیق استفاده کنند و در استفاده از آنها هم، دقیق باشند:

﴿أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ * وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ﴾.

در سوره هود نیز به این نکته اشاره شده است که شعیب عليه السلام از قوم خود می‌خواهد که با پیمانانه‌ها و ترازوها به درستی رفتار کنند و اهل کم‌فروشی نباشند و در زمین فساد به پا نکنند. در واقع نتیجه عدم استفاده درست از پیمانانه‌ها و ترازوها، کم‌فروشی است.

﴿وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ

مُفْسِدِينَ﴾ (هود/۸۴-۸۵)

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۵، ص ۱۶۳.

۲. غفاری، هادی، نظام اقتصادی صدر اسلام، ص ۱۷۱.

در حقیقت این آیه یکی از مصادیق قسط و عدل را در قرآن کریم نیز تبیین کرده است. یکی از مصادیق قسط در قرآن کریم، استفاده از میزان‌ها و ابزارهای دقیق سنجش و استفاده درست از این میزان‌هاست. علاوه بر این از عدم استفاده درست از میزان‌ها و همچنین کم‌فروشی به عنوان فساد یاد شده است. در واقع این کاریکی از مصادیق فساد اقتصادی است.

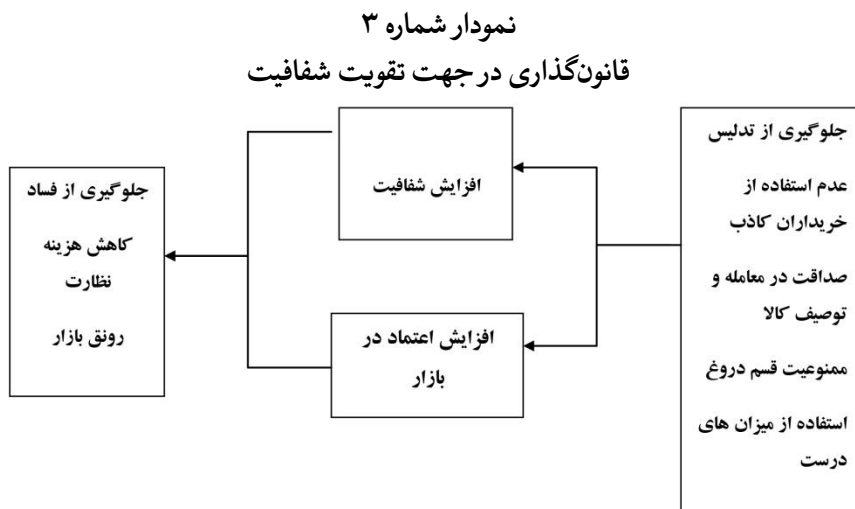
عدم دقت و رعایت نکردن قسط در استفاده از ترازوها و پیمانانه‌ها و کم‌فروشی، منجر به نتایج زیر نیز می‌شود:

- ❖ این امر موجب ایجاد خسران برای خریدار می‌گردد. با رواج و گسترش چنین شرایطی، بستراطمینان در مبادلات و رفتارهای اقتصادی از میان خواهد رفت. چنین شرایطی در بلندمدت به رکود در فعالیت‌های اقتصادی نیز می‌انجامد.
- ❖ عدم استفاده دقیق و درست از ترازوها و پیمانانه‌ها، فرایندهای قیمت‌گذاری را هم غیرشفاف می‌کند و این فقدان شفافیت، منجر به کم‌فروشی و در نتیجه گران‌فروشی خواهد شد. همچنین برآیند کم‌فروشی، ثروتی است که با نافرمانی از خدای تبارک و تعالی، به وجود آمده است. علاوه بر این، کم‌فروشی و گران‌فروشی به ایجاد شکاف طبقاتی در جامعه نیز می‌انجامد؛ زیرا بستری را فراهم می‌آورد که عده‌ای با گران‌فروشی صاحب ثروت‌های کلان شوند.

با توجه به اینکه نوع سیاست‌گذاری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بسترساز شفافیت در معاملات است، ابزارها و سیاست‌هایی که فرایند مبادلات اقتصادی را شفاف می‌کنند، می‌توانند در چهارچوب سیره نبوی، مد نظر قرار گیرند و به عنوان اولویت در سیاست‌گذاری‌ها لحاظ شوند؛ به عنوان مثال ایجاد سامانه معاملات بنگاه‌های مسکن که بسترساز شفافیت در معاملات مسکن و مانع از سوداگری در این بخش می‌شوند، یکی از سیاست‌های مقبول در این بخش است.

قوانینی مانند جلوگیری از تدلیس و فریب و دروغ و بزرگنمایی، علاوه بر ایجاد بستر شفافیت، صداقت و اعتماد را نیز در جامعه گسترش می‌دهند. افزایش شفافیت موجب

جلوگیری از فساد می‌گردد و علاوه بر این با افزایش شفافیت، امکان نظارت دقیق‌تر بر بازار نیز فراهم می‌شود.



۵. منع از «تلقی ركبان»

در صدر اسلام کالاها از نقاط دوردست برای عرضه در بازار مسلمانان حمل می‌شد. در این میان، عده‌ای سودجو پیش از آنکه کالاها به شهر برسند به استقبال کاروان‌ها می‌رفتند و با توجه به ثروتی که در اختیار داشتند با قیمتی که کمی از قیمت واقعی بالاتر بود، تمام کالاها را می‌خریدند. این کار سبب می‌شد که آنها کنترل عرضه را در بازار در اختیار بگیرند. این عمل «تلقی ركبان» نام گرفت.^۱

درباره «تلقی ركبان» روایات بسیاری وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود: رسول اکرم در این باره می‌فرماید: «پیشاپیش به استقبال کاروان‌ها نروید، بلکه بگذارید آنها وارد بازار شوند.»^۲

۱. نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ص ۴۰۸؛ اعتصامی، منصور، *مالکیت تجاری در اسلام*، ص ۲۰۳.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، ج ۵، ص ۱۶۲.

امام صادق علیه السلام نیز در روایتی می‌فرمایند: «تلقی رکبان نکنید، از کالایی که با تلقی رکبان به بازار وارد شده، خریداری نکنید و از گوشتی که براساس تلقی رکبان خریداری شده، نخورید.»^۱

روایات یادشده علاوه بر تأکید صریح بر مذموم بودن تلقی رکبان، بر مذموم بودن خرید از اموالی که از این راه به دست آمده‌اند نیز تأکید دارند.

«تلقی رکبان» شباهت بسیاری به فرایندهای دلالی و واسطه‌گری غیر مفید در شرایط فعلی دارد. هدف از «تلقی رکبان» خرید کالا به قیمت پایین و عرضه آن در بازار با قیمت بیشتر است. این امر چیزی جز ایجاد یک حلقه اضافه در فرایند توزیع و افزایش قیمت نیست.

۶. منع از «بیع حاضر لباد»

این تعبیر در فقه بیانگر معامله افراد محلی برای افراد غریبه است^۲، که در اصطلاح به آن دلالی، سمساری و واسطه‌گری می‌گویند.^۳

در این مورد نیز روایات بسیاری وجود دارد که به برخی از این روایت‌ها اشاره می‌شود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «نباید هیچ یک از شما طعامی را در خارج شهر با روش تلقی رکبان خریداری کند و هیچ شخص ساکن شهر نباید برای افراد غریبه جنس بفروشد. بگذارید مسلمانان باهم داد و ستد کنند. خداوند روزی بعضی از مردم را از طریق بعضی دیگر می‌دهد.»^۴

امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل فرموده‌اند: «اهالی محل نباید برای افراد غریبه،

۱. همان، ص ۱۶۳.

۲. اعتصامی، منصور، مالکیت تجاری در اسلام، ص ۲۰۳.

۳. غفاری، هادی، نظام اقتصادی صدر اسلام، ص ۱۸۰.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۵، ص ۲۷۰.

فروش کنند. بعضی مسلمانان باعث وسیله کسب روزی یکدیگر می شوند.^۱ «
با نگاهی به مجموعه احادیث مربوط به منع از «تلقی رکیان» و همچنین منع از «بیع حاضر لباد» می توانیم موارد زیر را بیان نماییم:

❖ با دقت در دو کار یادشده، می توان به این نتیجه رسید که هم «بیع حاضر لباد» و هم «تلقی رکیان»، در واقع زمینه ساز نوعی از دلالتی و واسطه گری غیر مفید هستند. به طور معمول، کسانی که به پیشواز کاروان ها پیش از ورود به بازار شهر می روند، می خواهند که کالاها را پیش از ورود به بازار خریداری کنند و سپس با قیمت بالاتر در بازار بفروشند و بدون اینکه کاری را انجام دهند، سود قابل ملاحظه ای را به دست آورند. هدف ایشان تنها سوداگری است. امروزه نیز در بسیاری از بخش های اقتصادی کشور چنین اتفاقاتی رخ می دهد؛ به عنوان مثال در توزیع محصولات کشاورزی بسیاری از افراد قبل از رسیدن جنس به مقصد، با استفاده از اطلاعاتی که دارند، اجناس را ارزان می خرند و نبض بازار را در اختیار می گیرند و در مرحله بعد خود اقدام به توزیع جنس بر اساس قیمت دلخواه می کنند. متأسفانه راهکارهای مناسبی برای مبارزه با این امر مذموم پیش بینی نشده است که نیازمند تلاش جدی مسئولان در حذف واسطه های تجاری است.

❖ چنان که در قسمت انتهایی برخی از احادیث بیان شده، خداوند روزی بعضی از مردم را از طریق بعضی دیگر، قرارداده است. با این حال، دو عمل یادشده، مانع عملکرد طبیعی و کسب روزی عادلانه، از طریق بازار می شوند؛ به عنوان مثال در مورد «بیع حاضر لباد» اگر افراد غریبه جنس خود را به بازار آورند، به دلیل عدم آشنایی با قیمت بازار در روال طبیعی بازار فعالیت می کنند و قیمت ها نیز با توجه به شرایط عادی بازار مشخص می شود. اما اگر عده ای دلال

۱. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۲۸.

بیابند و به عنوان افراد آشنا با شرایط موجود کالاها را از ایشان بگیرند و برای ایشان به فروش برسانند، عرضه کالا در دست عده‌ای محدود و دارای قدرت انحصار قرار می‌گیرد و عده‌ای بدون تلاش دارای سود بسیاری می‌شوند.

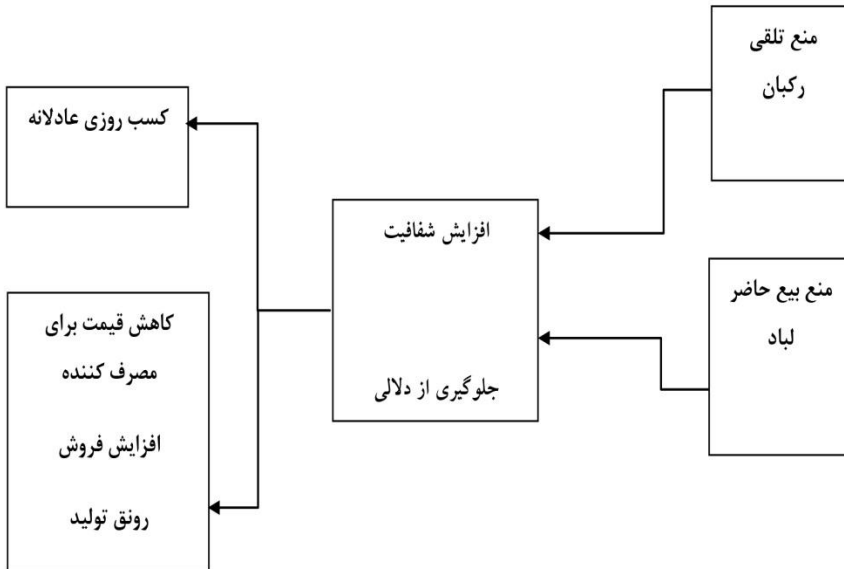
❖ در واقع از آموزه‌های نبوی از قبیل نهی از تلقی رکیبان، نهی از بیع حاضر لباد، نهی از غرر و نهی از بیع غرری می‌توان چنین استنباط نمود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بر شفافیت اطلاعات مبادلاتی و از بین بردن زمینه سوءاستفاده از ناآگاهی فروشنده و خریدار تأکید داشته‌اند.

❖ از اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله به پیشواز کاروان‌ها رفتن (تلقى رکیبان) را ممنوع کردند، می‌توان به این نتیجه رسید که آن حضرت به نوعی حلقه‌های موجود در توزیع کالا را به حداقل رساندند. در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، یا محصولات توسط خود تولید کنندگان، به بازار منتقل می‌شده‌است یا توسط تاجرانی که این محصولات را منتقل خریداری می‌کرده و سپس در فضایی شفاف با حضور همه خریداران و سایر تجار و تولیدکنندگان، محصول خود را ارائه می‌نمودند. از طرف دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله تولیدکنندگان و تجار را به حضور در بازار و انجام معامله در آن تشویق می‌نمودند.

❖ با توجه به آنچه یاد شد، می‌توان به این جمع‌بندی رسید که گسترش اطلاعات واقعی و شفافیت، گسترش ارتباط خریدار و فروشنده با حذف واسطه‌ها و روان سازی حمل و نقل و حذف مقررات دست و پاگیر، زمینه‌ساز تعدیل سودجویی واسطه‌گران و تضعیف واسطه‌گری غیر مفید می‌گردد.

❖ ایجاد و تقویت تشکل‌ها و تعاونی‌های کشاورزی و به خصوص تعاونی‌های توزیع، از طریق پرداخت تسهیلات برای تهیه وسایل حمل و نقل، جهت انتقال محصولات کشاورزی به بازار، می‌تواند زمینه حذف واسطه‌ها را فراهم سازد.

نمودار شماره ۴ مقابله بادلالی و واسطه‌گری



جمع بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در مباحث فوق پیشین یادشده، این نکته‌ها به دست آمد:

الف. رویکرد اصلاحی رسول اکرم در بازار مدینه یک رویکرد جامع‌نگرو فراتراز یک نگاه اقتصادی صرف بوده است. علاوه براین، ایشان دارای یک نگاه آینده‌نگرو پیشگیرانه بوده‌اند. ایشان با تصمیم هوشمندانه خود در ایجاد یک بازار جدید در مدینه و الگوی قانون‌گذاری خود، علاوه بر ایجاد یک الگوی موفق اقتصادی در معاملات، یکی از بسترهای تسلط یهودیان و خطراتی را که از ناحیه ایشان جامعه اسلامی را تهدید می‌کرد از بین بردند. ما نیازمند چنین رویکردی در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های خود هستیم.

در واقع، رویکرد رسول بزرگوار اسلام در سیاست‌گذاری در بازار مدینه رویکردی است که تمام ابعاد مورد نیاز برای یک اصلاح اقتصادی را مد نظر قرار داده است. انتخاب مکان مناسب همراه با قانون‌گذاری دقیق و همه‌جانبه در بازار، حلقه‌هایی هستند که وقتی در

کنار هم قرار می‌گیرند، بازاری را به وجود می‌آورند که زمینه‌ساز قدرت اقتصادی مسلمانان می‌شود و هم قدرت دشمنان ایشان را هم تضعیف می‌کند. علاوه بر این، این مجموعه منسجم با توجه به همه قوانین حاکم بر آن الگویی پایدار است که در آن گران‌فروشی و انحصار و همه عواملی که بسترساز ایجاد بی‌ثباتی در بازار مسلمانان هستند، از میان می‌رود.

ب. سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در برخورد با «بیع حاضر لباد» و همچنین «تلقی ركبان»، بیانگر این است که در نگاه اسلامی به بازار، واسطه‌گری و دلالتی با نگاه سوداگرانه صرف جایگاهی ندارد و باید ساختارهای اقتصادی به گونه‌ای طراحی شوند که بستر دلالتی و واسطه‌گری با نگاه سوداگرانه و بدون فعالیت اقتصادی از میان برود.

ج. بسیاری از قوانینی که از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بازار مدینه به عنوان قوانین تجارت و مبادله در بازار اعلام شدند، دارای دلالت‌ها و رویکردهایی هستند که می‌توانند برخی قواعد سیاست‌گذاری اقتصادی و حتی غیراقتصادی را برای ما در یک چهارچوب دینی ترسیم نمایند؛ به عنوان مثال تکیه بر شفافیت مبادلات که مورد تحلیل قرار گرفت، یکی از نمونه‌هایی است که می‌تواند به ما در انتخاب سیاست‌ها در عرصه تصمیم‌سازی اقتصادی و غیراقتصادی کمک نماید. موضوع شفافیت در مبادلات، می‌تواند زمینه‌ساز نظارت دقیق‌تر و راحت‌تر در مبادلات در بازار باشد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. سیدرضی، *نهج البلاغه*، ترجمه محمددشتی، مؤسسه فرهنگی-تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، قم، ۱۳۸۵ ش.
۳. اعتصامی، منصور، *مالکیت تجاری در اسلام*، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۳ ش.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، *من لایحضره الفقیه*، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۳۸۱ ش.
۵. ابن شبه نمیری، ابوزید عمر، *تاریخ المدینة المنورة*، دار التراث، بیروت، ۱۹۹۰ م.
۶. ابن هشام، *السيرة النبویة*، دارالمعرفة، بیروت، بی تا.

۷. ابی داود، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، دارالمصریة، قاهره، ۱۹۸۸ م.
۸. بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، نشر منجد، قاهره، ۱۹۷۵ م.
۹. بیهقی، ابی بکر، السنن الکبری، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۵ ق.
۱۰. جمشیدنژاد، غلامرضا، نظام‌های اقتصادی صدر اسلام، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۵.
۱۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۹ ق.
۱۲. رسولی محلاتی، سید هاشم، درس‌هایی از تاریخ تحلیلی اسلام، سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۱۳. سالواتوره، دومینیک، تئوری و مسائل اقتصاد خرد، ترجمه حسن سبحانی، نی، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۱۴. سمهودی، نورالدین علی، وفاء الوفا باخبار دارالمصطفی، به کوشش محمد محی‌الدین عبدالحمید، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۸۴ م.
۱۵. صدر، سید کاظم، اقتصاد صدر اسلام، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۱۶. _____، احتکار از دیدگاه فقه و اقتصاد، انتشارات ۲۲ بهمن، قم، ۱۳۶۳ ش.
۱۷. طباره، عفیف عبدالفتاح، بیهود از نظر قرآن، ترجمه علی منتظمی، بعثت، تهران، ۱۳۵۳ ش.
۱۸. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل والملوک، به کوشش ابوالفضل ابراهیم، دارالمعارف، قاهره، ۱۳۸۲ ق / ۱۹۶۲ م.
۱۹. غفاری، هادی، نظام اقتصادی صدر اسلام، دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۸۶ ش.
۲۰. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ترجمه علی اصغر حلبی، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۷۳ ش.
۲۱. قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، بی تا.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دارالحديث، قم، ۱۴۱۳ ق.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۹۸۳ م.
۲۴. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۷۳.
۲۵. نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، مشهد، ۱۴۱۵ ق.
۲۶. نظریور، محمدنقی، «بازار»، دانشنامه امام علی علیه السلام، زیر نظر: علی اکبر رشاد، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ۱۳۸۲ ش.
۲۷. هندی، علی بن حسام‌الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال والاعمال، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۹۸۹ م.
۲۸. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، فتوح البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۳ ش.